رسول پویان ۲۰۱۸/۰۷/۲۹

غزل

در تمدن ریشه های ما بود آنسان قوی

نیست امکانی که بی تاریخ و بنیادم کند

با نگاه گوشهٔ چشمی اگر شادم کند
آنقدر نوشم که مست مستِ دلشادم کند

درخم زلفی اسیرم گرکند عمری خوشم
من نمی گویم به صیادم که آزادم کند

با می و مطرب گرفتم خو از روز ازل
بی سبب شیخ دغل هر روز ارشادم کند

انتحاری را بگو مرگ هنر آسان نیست
شعلهٔ مست غزل هر لحظه ایجادم کند

در تمدن ریشه های ما بود آنسان قوی
نیست امکانی که بی تاریخ و بنیادم کند

ارسال مقالات: info@arianafghanistan.com و یا spineghar@gmail.com

خصم فرهنگ وتمدن جنگ قومی آورد

با تفنگ و جنگ نتواند که بربادم کند

بردباری و شرافت، پایداری و خرد

رسم عیاری و سالاری یل رادم کند

از سکوتستان تاریخم حکایت می کنم

مشت بیداد زمان در چیغ و فریادم کند

تا عدالت زیر دست و پای استبدادگشت

خود به خود جبرزمان برضد بیدادم کند

میهنم درزیرعنوان جهادازریشه سوخت

شیخِ داعش تا بکی سرگرم اورادم کند

درمیان جنگ وخون علم وهنرآموختیم

گنج شایان تجارب پخته استادم کند

راه حل اختلاف از گفتگو آید به دست

حرکت و سیر تکامل جمع اضدادم کند

طرح فاشیزم سیا دفن وطنداران بود

وحدت مردم رها از دام شیادم کند

یادگار عصر جامی و نوایی زنده باد

کلک طبع تازه جویی یاد بهزادم کند